

تبلیغ در سیره و گفتار عارفان

مبلغان وارسته

۱۳

رحیم کارگر

می دهد، باید بیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، به تعلیم خویش بپردازد و باید تأدیب کردن او به عملش پیش از تأدیب کردن به زبانش باشد. کسی که معلّم و ادب کننده خویشتن است، به احترام، سزاوارتر است از کسی که معلّم و مربّی مردم است.»

بر این اساس هر کس که می خواهد عالم دین و پیشوا و مقتدای مردم باشد، باید ابتدا خودش را اصلاح و تهذیب کند و به وسیله عمل، مردم را

«مسلّغان وارسته» از عالمان پرهیزگار، از خود گذشته، دلسوز، پارسا، هدایت گر، هدایت شده، اهل تزکیه و تهذیب نفس، صاحب اخلاق شریف و بیداردلانی هستند که این فرمایش امام علی علیه السلام را چراغ راهنمای زندگی خود قرار داده و ضمن تعلیم و تأدیب خود، به هدایت و ارشاد دیگران می پردازند. «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبَدِّءَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَمُعَلِّمٌ نَفْسَهُ وَمُؤَدِّبٌهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ!» کسی که خود را در مقام پیشوایی و امام مردم قرار

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۶: نهج البلاغه، قصارالکلم، ش ۷۳.

انسان‌ها به شمار می‌روند. عالم بیدار دل سید جعفر کشفی رحمته الله علیه درباره فضیلت مبلغان و اهمیت کار آنان می‌نویسد:

«فضیلت و مرتبه دو طایفه از مبلغان (مبلغانی که اصلاً طمع در کسی ندارند و اجری از کسی نمی‌خواهند و در مرتبه خلافت خدای، وراثت انبیا و ائمه، ثابت و مستقیم‌اند) از حد گذشته و در تلو مرتبه پیغمبران و بالاتر از مرتبه مفتی می‌باشد، چون که وعظ نمودن آخر مرتبه و آخر کمال فتوا دادن و تعلیم نمودن است. و حق این طایفه بر مردمان شدیدتر است از حق مفتیان و این دو طایفه چون که ارشاد و عمل موعظه ایشان از دل و از روی اخلاص و بدون غرض می‌باشد، به مضمون *«لَا مَن آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»*^۱ دل ایشان مقرون به اخلاص و سالم از طمع، ریا، شک و شرک می‌باشد و لهذا کلام و موعظه ایشان تأثیر می‌کند و به دل می‌رسد و بسندگان به آن منتفع می‌گردند و عمل خلافت ایشان مر

به سوی دین دعوت نمایند. او باید پیشوایان معصوم را الگوی عملی خود قرار دهد، چنانکه عالم ربانی شیخ حسین بحرانی می‌نویسد:

«بادقت در طریقه اهل بیت علیهم السلام و تتبع در آثارشان، در می‌یابیم که آن بزرگواران، تنها با اخلاق کریمه خویش مردم را هدایت نموده و مجذوب دین ساخته‌اند و پیروان خود را نیز به همین امر دعوت کرده و فرموده‌اند: «مردم را با غیر زبان‌های خود بخوانید»؛ یعنی، با اخلاق خوب و رفتار نیکوی خود، برای آن‌ها الگو و نمونه باشید.^۱»

مبلغان وارسته و فرزانه، با داشتن اخلاق و رفتار نیک و الهی، می‌توانند آثار و برکات بی‌کرانی در جامعه داشته باشند و با نفس معنوی و اخلاق پسندیده خود در مردم یک شهر، روستا، محله و... تأثیر بگذارند.

«مبلغان وارسته»، از قید نام و شهرت و نان رسته‌اند و دل در سودای عشق دوست نهاده‌اند تا بلکه بر تعداد عاشقان و دلدادگان دوست بیفزایند و از این رو برترین و با فضیلت‌ترین

۱- سلوک عرفانی، ص ۱۸.

۲- شعراء، ۸۹.

نفس را اول برو در بند کن
 پس برو آهنگ و عظم و پند کن
 منبری بگذار بهر خود نخست
 وانگهی برجه به منبر تند و چست
 تا تو را سوزی نباشد در جگر
 دم مزن کساندر دَمَت نبود اثر
 امام راحل علیه السلام درباره اهمیت تزکیه
 و تهذیب نفس قبل از اصلاح و ارشاد
 دیگران می فرماید: «باید دانست که
 مشکل ترین امور و سخت ترین چیزها
 دینداری است در لباس اهل علم و
 زهد و تقوا و حفظ قلب نمودن است
 در این طریقه و از این جهت است که
 اگر کسی در این طبقه به وظایف خود
 عمل کند و با اخلاص نیت وارد این
 مرحله شود و گلیم خود را از آب
 بیرون کشد و پس از اصلاح خود، به
 اصلاح دیگران پردازد و نگه داری از
 ایتم آل رسول نماید؛ چنین شخصی از
 زمره مَقْرَبین و سابقین به شمار آید.^۱»
 پس این تزکیه و تهذیب و
 خودسازی، باید از همان اوان تحصیل

خداوند و انبیا، مثمر ثمر می گردد و
 لیکن تأثیر کلام و موعظه آن یکی که
 عالم به ظاهر و باطن هر دو می باشد، به
 مراتب سریع تر و شدیدتر می باشد،
 چون که کلام و موعظه بالاتر از
 دل و از عالم مشاهده و عیان - که عالم
 روح می باشد - صدور می یابد و سر تا
 پای او همگی و عظم و کلام شده
 است.^۱»

از این جاست که وقتی حواریین
 از حضرت عیسی علیه السلام پرسیدند که
 مجالست با که بنمائیم؟ آن حضرت
 فرمودند: «مَنْ يَذْكُرْكُمْ اللَّهُ زُوِّيْتَهُ وَيَزِيدْ فِي
 عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ وَيَزْعَبْكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ؟» با
 کسی [مجالست کنید] که دیدن او شما
 را به یاد خداوند بیندازد و نطق و کلام
 او بر علم شما بیفزاید و عمل او شما را
 در مورد آخرت ترغیب کند.»
 اصولاً بدون تزکیه و تهذیب
 نفس، تبلیغ و ارشاد دیگران معنا و
 مفهوم می ندارد و دست زدن به این کار
 شریب، اقدامی سخت و پرخطر
 می نماید.

نفس خود ناکرده تسخیر ای فلان

چون کنی تسخیر نفس دیگران

۱- میزان الملوک و الطوائف، ص ۱۷۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۹.

۳- چهل حدیث، ص ۳۲۲.

و در مراکز علمی صورت گیرد و پایه‌های اخلاقی مبلّغان از همان‌جا مستحکم شود. مرجع فقید شیعه آیت الله العظمی بروجردی نیز بر این باور بود که: «اولین برنامه‌ای که برای فراگیران علوم دینی ضرورت دارد، پالایش درون، تطهیر روان و تهذیب نفس می‌باشد، زیرا تمامی فضایل بر این محور می‌گردند و تا آلودگی‌ها از قلب پاک نشوند، تحصیل علم و رسیدن به مقامات بالای علمی انسان را نجات نخواهد داد. کسی که می‌خواهد جامعه را اصلاح کند، باید در مرکز علمی، خود را مهذب نماید.»^۱

امید آن که همه ما که در دانشگاه اهل بیت علیهم‌السلام علم آموزی می‌کنیم - از مکتب دین و اخلاق و معرفت آن بزرگان نیز دلدادگی و پارسایی آموزیم و بدانیم که برتری و شرافت در دنیا و آخرت مربوط به پرهیزگاران و نیکوکاران است، نه عالمان بی‌عمل.

«اهل علم با سایر مردم تفاوت ندارند، بلکه مسؤولیت سنگین‌تری را بر عهده دارند. اگر از مردم تزکیه و تهذیب نفس و عمل صالح خواسته

شده، از ما نیز همین امر را خواسته‌اند. اگر گنه‌کاری و اخلاق زشت، اسباب هلاکت و شقاوت اخروی است، علما و غیر علما در این جهت فرقی ندارند. اگر گفته می‌شود که ایمان و عمل صالح، تنها وسیله سعادت و کمال و نیل به مقام قرب الهی است، در مورد علما نیز همین امر ضرورت دارد. چنان‌که بعضی مردم به بهشت می‌روند و بعضی به جهنم، بعض علما هم در دوزخ معذب خواهند شد. بنابراین اگر ما انتظار داشته باشیم که بدون تزکیه و تهذیب نفس و بدون پرورش اخلاق نیک و بدون عمل صالح، به مقام قرب الهی و درجات عالی بهشت نائل گردیم، سخت اشتباه می‌کنیم و مغرور هستیم. علم تنها نمی‌تواند ما را از عذاب دوزخ نجات دهد و به قرب خدا نائل گرداند؛ بلکه عمل لازم دارد... پس باید به این نکته توجه داشته باشیم که ممکن است در اثر درس‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌ها، منبرها، مداحی‌ها و مرثیه‌خوانی‌های ما،

۱- ناصح صالح، ص ۲۱۷.

عمل و رفتار ما خود «تبلیغ واقعی» دین خدا و معارف اهل بیت علیهم السلام خواهد بود.

در این جا به چند نکته درباره «مبلغان وارسته» اشاره می شود.

۱- مبلغان وارسته و بایسته ها

عارفان و دانشمندان اخلاق و ادب، سفارش ها و رهنمودهای گران مایه و آگاهی بخشی در زمینه اخلاق و رفتار مبلغان و دانشمندان دینی دارند و خود نیز بهترین نمونه و الگوی این خواسته ها و رهنمودها بودند.

یکم. نخستین سفارش و دستورالعمل اخلاقی و عرفانی به مبلغان و واعظان، اصلاح نفس و تصفیه درون از ناپاکی ها و نقص ها و مواظبت بر دوری از گناهان و محرّمات است.

عارف کامل بهاری همدانی رحمته الله علیه در این زمینه می فرماید:

«ابتدا بر خود مبلغ و دانشمند واجب است که از اصلاح نفس خود آغاز کند و بر انجام طاعات و ترک

صدها و هزارها نفر هدایت یابند و به سعادت و کمال نائل گردند، لیکن سعادت و کمال آنان، مستلزم نجات و رستگاری ما نخواهد بود. ما به آنها گفته ایم و عمل کرده اند تا به سعادت و کمال رسیده اند، اگر خودمان اهل عمل نباشیم، ارشاد و هدایت آنها برایمان سودی نخواهد داشت!»^۱

برخیز تا به عهد امانت وفا کنیم

تقصیرهای رفته به خدمت قضا کنیم

بی مغز بود سرکه نهادیم پیش خلق

دیگر فروتنی به در کبریا کنیم

کمترین و ضروری ترین خواسته بزرگان دین از ما، عمل به گفته ها و سخنان خود ما است، یعنی ما حداقل در آنچه که به دیگران می گوئیم، عامل باشیم و نمونه کوچکی از مطلوب و مقصود مورد اشاره در سخنرانی ها، وعظها و نصیحت های خود باشیم.

اگر خود فراتر و برتر از گفتارها و تبلیغ ها باشیم و به تقصیرها و کاستی های خود بینا شویم و با توبه و انابه، در صدد پاکسازی دل و جان برآئیم، در این صورت حتی نیازی به گفتن و صحبت کردن نداریم؛ بلکه

۱- خودسازی (تزکیه و تهذیب نفس)، آیت الله امینی، ص ۲۷۵ و ۲۸۱.

محرمات مواظبت کند.»^۱

همو می‌فرماید: «فرقه‌ای از [واعظان] هستند که تهذیب اخلاق کرده و تصفیة نفس از لوث کدورات نموده و نفس را از شواعل و علائق دنیویه استخلاص فرموده و طمع خود را از خلق به سوی حق گردانیده‌اند...»^۲

دوم. مبلغان سعی کنند، جمیع مکارم و فضایل اخلاقی را در خود جمع کنند و از دنیاپرستی و مال دوستی گریزان باشند. عالم ربانی سید جعفر کشفی می‌نویسد: «عالمان و مبلغان، منزّه باشند و تواضع، فروتنی، شکسته نفسی، حلم و بردباری در تعلیم و فتوا دادن به مردمان را شیوه و شعار خود سازند و زهد در دنیا و اعراض از زخارف و امتعه و لذات فانیه آن را بنمایند و یأس از نفس و ریا و خلق‌پرستی را التزام نمایند و طریقه اخلاص و توکل و رغبت در آخرت و تهییؤ بر مردن قبل از آمدن مرگ را، زاد و توشه خود نمایند.»^۳

سوم. جهاد اکبر و مبارزه بی‌امان با خواهش‌های نفسانی و هواهای درون،

از صفات بایسته مبلغان است که در هیچ حال نباید ترک شود. عارف بنام مسلکی تبریزی رحمته الله در این زمینه می‌نویسد: «از کارهای مهم برای اهل علم، امامت جماعت و وعظ است... اگر عالم، قوی و مجاهد بوده و از کسانی باشد که مدتی با نفس خود جهاد کرده و در طول جهاد، راه‌های پنهان نفوذ شیطان و پوشش‌های هوای نفس را پیدا کرده، نباید امامت جماعت و وعظ را به کلی رها کند، زیرا این دو مورد اهتمام شرع است.»^۴

چهارم. از خصال و ویژگی‌های دیگر مبلغان و دانشمندان در نظر عارف ربانی مرحوم بهاری رحمته الله فروتنی، داشتن خوف و خشیت از خدا و خشوع و خضوع دائمی است: «باید شکسته و حزین و ساکت و سرپایین باشد و آثار خوف و خشیت و خضوع و خشوع در وی نمایان باشد که هر که او را ببیند، متذکر به الوهیت

۱- تذکرة المتقین، ص ۱۲۹ و ۱۰۴.

۲- همان.

۳- میزان الملوک و الطوائف، ص ۱۵۷.

۴- المراقبات، ص ۲۸۱.

گردد. سیمای او دلالت بر علم کند... [هم چنین] باید اهتمام او به علم باطن و مراقبه قلب و شناختن طریق سلوک اخروی پیش از همه کار [ها] باشد.^۱

پنجم. تخلق و زینت یافتن به اخلاق و مکارم برجسته و فضایل انسانی، از دیگر صفات و ویژگی های «مبلغان وارسته» است. شارح رساله سیر و سلوک، آیت الله مدرس هاشمی ضمن اشاره به این مهم، می گوید:

«همه افراد - به خصوص علما و طلاب و مدرسین محترم و کسانی که در لباس روحانیت هستند - لازم است خود را متخلق به فضایل اخلاقی کنند و با کوشش و مجاهدت، خود را از رذایل اخلاقی، تخلیه کنند تا گفتارشان در دیگران مؤثر افتد؛ چه آن که موعظه اگر از دل بر آید، بر دل نشیند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْمَوْعِظَةَ إِذَا خَرَجَتْ عَنِ الْقَلْبِ دَخَلَتْ فِي الْقَلْبِ وَإِذَا خَرَجَتْ عَنِ مُجَرَّدِ اللِّسَانِ، لَنْ تَتَجَاوَزَ الْآذَانَ؛ موعظه اگر از دل خارج شود، در دل می نشیند و اگر صرف لقلقه زبان باشد، از گوش ها، تجاوز نمی کند.»^۲

ششم. یکی دیگر از صفات و ویژگی های اخلاقی و عرفانی ناصحان و واعظان، داشتن سوز و گداز در مجالس سخنرانی است. در این باره دانشمند گران پایه مرحوم محدث نوری رحمته الله علیه می نویسد:

«سزاوار است که ارباب دانش و بینش، مجالس مصائب حضرت ابی عبدالله علیه السلام را... به دست دیندار دلسوزی دهند که در مجالس، اهل تقوا و دیانت و غیرت و عصیبت، بخوانند و بسوزند و بگیرند و از خدای تعالی تعجیل فرج و ظهور سلطان ناشر عدل و امان و باسط فضل و احسان و... را بخواهند.»^۳

هفتم. الگو برداری از عارفان و حکیمان و رعایت شؤون علم و حکمت، از صفات برجسته مبلغان و عالمان دین است. آنان هم خود کسب نور و صفا می کنند و هم به دیگران گرمی و صفا می بخشند. علامه راغب اصفهانی در این رابطه می گوید:

۱- تذکرة المتقین، ص ۹۶.

۲- شرح رساله سیر و سلوک، ص ۵۳ و ۵۴.

۳- لؤلؤ و مرجان، ص ۲۰۶.

«بر واعظ لازم است که تناسبی با حکما داشته باشد تا بتواند از آن‌ها استفاده کند... و مناسبتی هم با مستمعین خود داشته باشد تا آنان بتوانند از او بهره گیرند... مانند پیامبر که خداوند او را از بشر انتخاب کرد و قدرت ملائکه را به او داد تا بتواند احکام الهی را از ملائکه بگیرد و به مردم برساند...»

سزاوار است که واعظ خود موعظه پذیرد و سپس دیگران را موعظه کند...، بلکه مانند خورشید باشد که به ماه نور می‌دهد و خودش بیش از آنچه به ماه می‌دهد نور دارد و مانند آتش باشد که آهن را داغ و سرخ می‌کند و خودش داغی بیشتری دارد. نیز بر او لازم است که اعمالش برخلاف گفتارش و حالاتش تکذیب کنندهٔ زبانش نباشد...»^۱

۲- آفات و کاستی‌ها

کسی که اهل وعظ و تبلیغ است، سعی می‌کند که از آفت‌های این راه دوری جوید و کاستی‌ها و معایب را برطرف سازد و اخلاق و رفتار خود را زینت دهد. در این صورت می‌تواند به

هدایت و ارشاد دیگران مشغول شود. امام عارفان حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يَصْلُحُ لِمَوْعِظَةِ الْخَلْقِ إِلَّا مَنْ جَاوَزَ هَذِهِ الْأَفَاتِ بِصِدْقِهِ وَأَشْرَفَ عَلَى عُيُوبِ الْكَلَامِ وَعَرَفَ الصَّحِيحَ مِنَ السَّقِيمِ وَعَلَّلَ الْخَوَاطِرَ وَفَتِنَ النَّفْسِ وَالْهَوَىٰ»^۲

آن کسی شایستگی موعظه خلق را دارد که با صداقت از این آفت‌ها گذشته باشد و بر عیوب سخن گفتن واقف باشد و درست را از نادرست تشخیص دهد و به بیماری‌های دل‌ها و فتنه‌ها و هوای نفس آشنایی داشته باشد.»

امام علیه السلام دربارهٔ این آفات و کاستی‌ها می‌فرماید:

«أَفَّةُ الْعُلَمَاءِ عَشْرَةٌ أَشْيَاءٌ: الطَّمَعُ وَالْبُخْلُ وَالزِّيَاءُ وَالْعَصَبِيَّةُ وَحُبُّ الْمَذْحِ وَالْخَوْصُ فِيمَا لَمْ يَصْلُوا إِلَى حَقِيقَتِهِ وَالتَّكَلُّفُ فِي تَرْبِيَةِ الْكَلَامِ بِرَوَائِدِ الْأَلْفَاظِ وَقِلَّةُ الْحَيَاءِ مِنَ اللَّهِ وَالْإِفْتِخَارُ وَتَرْكُ الْعَمَلِ بِمَا عَلِمُوا»^۳

آفات اهل علم ده چیز است: طمع

۱- بر کرانهٔ سعادت، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۲- مصباح الشریعه، ص ۱۹۲.

۳- همان، ص ۱۹۰.

در امان دارند و از رذایل و خصلت‌های ناپسند اخلاقی دوری جویند.

عالم ربّانی سید جعفر کشفی رحمته الله علیه در این رابطه می‌نویسد:

«باری مرتبهٔ ایشان (واعظان و ارشاد کنندگان)، بعد از مرتبهٔ پیغمبران است و بالاتر از آن مرتبه‌ای نمی‌باشد و خلیفهٔ اعظم و اقدم خداوند می‌باشند در نشر نمودن و تعلیم کردن علم به بندگان و باید که قدر این مرتبه را بدانند و خود را از آفات محفوظ دارند و آفات این مرتبه، کبر، نخوت، تندخویی، حبّ دنیا، حبّ جاه و ریاست، حبّ خوراک، حبّ خواب، حبّ راحت، حبّ زنان، حرص مال و جمع مال، حسد، اتباع هوا و طمع در خلق است و باید که از همهٔ این‌ها اجتناب نمایند و منزّه باشند.»^۱

مبلغان وارسته و کاستی‌ها

مبلغان وارسته، مواظب گفتار و کردار خود بوده، از محدوده دین خارج نمی‌شوند.

آنان همواره مراقبت می‌کنند تا در

و بخل و ریا و تعصب در رأی و علاقه به ستایش و فرورفتن در چیزی که به حقیقت آن نمی‌رسند و به سختی انداختن خود برای زینت بخشیدن به سخن با الفاظ زیاد و کم شرمی از خدا و فخر فروشی و عمل نکردن به آنچه که می‌دانند.»

امام راحل رحمته الله علیه نیز می‌فرماید: «اگر شما درس بخوانید، ممکن است عالم شوید؛ ولی باید بدانید که میان مهذب و عالم خیلی فاصله است... مواظب باشید مبدا پنجاه سال با کدّ یمین و عرق جبین در حوزه‌ها، جهنم کسب نمایند؛ به فکر باشید. در زمینه تهذیب و تزکیهٔ نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید. خدا نکند انسان بیش از آن که خود را بسازد، جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ پیدا کند؛ خود را می‌بازد. تاریخ سفید نشده، کاری نکنید.»^۱

از آن جایی که مبلغان و واعظان، در هدایت و راهنمایی بشر، از پیامبران و امامان پیروی می‌کنند و برجایگاه رفیع ارشاد و هدایت تکیه زده‌اند، باید خود را از آفات و کاستی‌های این راه

۱- امام خمینی، جهاد اکبر.

۲- میزان الملوک و الطوائف، ص ۱۵۷.

دام‌های گسترده در مسیر تبلیغ گرفتار نیایند. در ذیل نحوه برخورد آن‌ها با خطرات و تهدیدها را بیان می‌کنیم:

یکم. مبلغان وارسته، مواظب و مراقب تفاوت گفتار با کردار و اختلاف عمل با سخن می‌باشند و به خطرات آن واقف‌اند. عارف روشن ضمیر آقا ملک‌ی تبریزی می‌گوید:

«گاهی تفاوت عمل و اعظ با سخنش، باعث جرأت شنونده بر گناهان و بی‌اعتقاد شدن او به علما و حتی پیامبران می‌گردد، به گونه‌ای که او را از دین خارج می‌کند.»^۱

دوم. مبلغان وارسته، عشق دنیا و مادیات را در دل ندارند و از خودپرستی و خود فریبی دوری می‌جویند و رذایل نفسانی را از دل وجود خود می‌زدایند. شارح رساله سیر و سلوک در این زمینه می‌نویسد:

«انسانی که خود عاشق دنیا و مادیات است، خودپسند و خودخواه است، رذایل نفسانی را از خود نزدوده است و... دعوت او دیگران را به فضایل، جز لقلقه زبان نخواهد بود.»

نقل می‌کنند: «حسن بصری، روی

منبر مردم را موعظه می‌کرد. بزرگی وارد آن جمع شد و این شعر را خواند:

وَعَيَّرَ تَقِيًّا يَا مُرَّ النَّاسِ بِالتَّقِيِّ

طَبِيبٌ يُدَاوِي النَّاسَ وَهُوَ عَلِيْلٌ
«آدم بی‌تقوایی که مردم را به تقوا می‌خواند، طیبی را ماند که خود علیل و بیمار است و می‌خواهد دیگران را معالجه کند.»

آخرین سخن این که طالب علم، باید مواظب آفات آن که مهم‌ترین آن‌ها عجب و غرور است باشد، مطالب بزرگان را خوب درک کند و نسبت به اعمال عبادی مقید و در توسل به ائمه هدی علیهم‌السلام مداومت داشته باشد.^۲

سوم. مبلغان و اهل علم، همواره به معاد، قیامت و عذاب‌های دوزخ باور و یقین دارند و هیچ وقت در خدمت هواهای نفسانی و خواهش شهوت قرار نمی‌گیرند و می‌دانند که این آفات و کاستی‌ها، آثار و نتایج شومی را برای آنان در پی دارد. صدرالمتألهین شیرازی در این رابطه به اهل علم هشدار می‌دهد که:

۱- المراقبات، ص ۲۸۷.

۲- شرح رساله سیر و سلوک، ص ۵۴.

چهارم. مبلغان و واعظان می دانند که اگر آنان کارهای ناپسند و خلاف انجام دهند، عده‌ای از افراد ضعیف الایمان و بهانه جو، سوء استفاده خواهند برد و به آنها تاسی خواهند جست. از این رو در آشکار و پنهان، مواظب و مراقب رفتارها و گفتارهای خود می‌باشند و بهانه به دست افراد ضعیف الایمان نمی‌دهند.

علامه راغب اصفهانی می‌گوید:
 «کسی که در مسند و عظم نشیند و کار زشتی انجام دهد، عده‌ای به او تاسی می‌کنند و آن واعظ علاوه بر وزر و گناه عمل خویش، حامل وزر و گناه آنها نیز خواهد بود، همان گونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که سنت زشتی را پایه گذاری کند، گناه آن و گناه هر کسی که بدان عمل کند، بر او خواهد بود.»^۱

پنجم. مبلغان و واعظان، به

«بسیاری از منتسبان به علم و دانشمندی، از احوال نفس و درجات و مقامات وی در روز قیامت غافل اند و اعتقاد به معاد - چنانکه باید - ندارند؛ اگر چه به زبان اقرار به معاد می‌نمایند و به لفظ اظهار ایمان به نشأه باقی می‌کنند، لکن دائماً در خدمت بدن و دواعی شهوت نفس می‌کوشند و راه هوا و آرزوهای پیمایند و پیروی مزاج و تقویت جسد و شاگردی جالینوس طبیعت می‌کنند و یک گام از خود بیرون نمی‌نهند و در طاعت قوای نفس آماره، نقد عمر عزیز را صرف نموده، پیر می‌شوند و به زبان حال با خود مثل این مقال می‌گویند:

آزادی هر دو کون می‌خواست دلم

در بندگی نفس و هوا پیر شدم

هم چنین اکثر عالمان بی‌علم و ناسکان بی‌معنا، آخرت را بعینه دنیا تصور کرده، به طمع «فیها ما تشتهیه الانیفس وَ تَلَدُّ الْأَعْیُنُ»^۱، «اعمال بدنی و عبادات بی‌معنا به جای آورده، فی الحقیقه غافل و عاطل از یاد خدایند، عبادت نفس و هوا می‌کنند و ترک معرفت مبدأ و معاد نموده‌اند...»^۲

۱- زخرف / ۷۱. «در آن (بهشت) آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد موجود است.»

۲- رساله سه اصل، ص ۴۵.

۳- برکرانه سعادت، ص ۱۳۹.

صحبت و سخنرانی بسنده نمی‌کنند و می‌دانند که با گفتن پاره‌ای از فضائل اخلاقی، خود بدان‌ها آراسته نخواهند شد و اگر به گفته‌های خود عامل نباشند، حتی ثواب و بهره‌ی معنوی نیز از آن نخواهند برد.

عالم ربانی مولا مهدی نراقی می‌گوید:

«فریفتگان واعظان بسیارند. برخی از آنان، درباره اخلاق و صفات نفس از خوف و رجا، توکل، رضا، صبر، شکر و مانند این‌ها، سخن می‌گویند و چنین پندارند که به گفتن این‌ها و دعوت مردم به این‌ها خود نیز به این‌ها موصوف می‌گردند، حال آن که در واقع از آن‌ها جدا و دورند، مگر به قدر اندکی که عوام مسلمین از آن‌ها خالی نیستند! چنین واعظی گمان می‌کند که غرض او اصلاح خلق است نه چیزی دیگر...! با وجود این اگر مردم رو به واعظی دیگر آورند و به دست وی به صلاح آیند و او برای ارشاد و اصلاح بهتر و قوی‌تر باشد، از غصه و حسد نزدیک به مردن رسد...^۱»

در این رابطه عالم عارف، بهاری

همدانی می‌نویسد:

«[از واعظان کسی است که] خود پر است از رذایل و خالیست از فضایل، گمان کرده محض قول و عارف شدن بر اصطلاحات و فهمیدن معنای الفاظ و عبارات، او را داخل در سالکین الی الله می‌کند یا صرف اصلاح خلق و هدایتشان به سوی حق، او را مستحق جزای رب العالمین می‌نماید.

خبر ندارد از حسرت روز قیامت و واقع شدن او بر تأسف و ندامت...^۲ شنشیم. مبلغان و واعظان مهذب، همواره بر مدار و محور «اخلاص و تقوا» حرکت می‌کنند و از افتادن در دام خواسته‌های نفس و ریا و دروغ و... هراسان‌اند و خود را از این مهلکه دور نگه می‌دارند. محدث نوری رحمته الله در تبیین وظایف واعظان می‌نویسد:

«اگر شیطان او (مبلغ و واعظ) را از این پله (اخلاص و تقوا) لغزاند و هوای نفس او را در دام دامن ملوث دنیا کشاند و برای تحصیل مال... یا نشر فضل و کمال در اقطار امصار و بلاد و

۱- جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۸ و ۲۹.

۲- تذکرة المتقین، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

نفرت آنان می‌شود. صفت آخر برای هر کسی زشت و برای علما زشت‌تر است، چون مردم به آنان اقتدا می‌کنند.^۲

۳- با مردم و برای مردم

تبلیغ و هدایت، چیزی جز عشق و علاقه به مردم و دوست داشتن و دلسوزی برای آنان نیست. از این رو مبلغان با شناخت روحیات و خواسته‌های مردم و آشنایی با نقاط ضعف و قوت آنان، راه کارهای مناسبی در تبلیغ اتخاذ می‌کنند و از زوایای مختلف به ارشاد و هدایت مردم می‌پردازند، مرحوم سید جعفر کشفی^۱ در این رابطه می‌نویسد:

«سبب شدت و سرعت تأثیر موعظه این یکی، آن است که این طایفه (واعظان و مبلغان) به جذبات عنایت حق، سلوک راه دین و سیر عالم یقین حاصل کرده‌اند و به حقیقت رسیده‌اند و از مکاشفات و الطاف خداوندی، علم لذتی یافته‌اند و در پرتو انوار تجلی

رسیدن محاسن گفتارش در اسماع عباد، بر منبر آید و سخن گوید و روضه بخواند، خود را به مهالک عظیمه انداخته که امید نجات در آن نیست.^۱»

هفتم. مبلغان و اهل علم، به جهت قداست و اهمیت کارشان، از دست زدن به فعالیت و کسب‌های شبهه‌ناک و مخالف با شؤون وزی طلبگی دوری می‌جویند و با قناعت و عزت نفس، به وظایف تبلیغی و رسالت دینی خود مبادرت می‌ورزند. در نتیجه با فروتنی و تواضع با مردم رفتار می‌کنند و هیچ حبّ و بغضی نسبت به آنان ندارند. صاحب کتاب «ادب الدنيا والدین» می‌گوید:

«از آداب علما این است که خود را از شبهه‌های کسب، منزّه و به دور دارند، و به جای رنج بردن در طلب مال، به اندک قناعت کنند...»

اما اخلاقی که لازم است علما به آن آراسته باشند، همان است که به ایشان سزاوارتر و برای آنان لازم است و آن فروتنی و دوری از خودپسندی است، چون فروتنی موجب روی آوردن مردم و خودپسندی موجب

۱- لؤلؤ و مرجان، ص ۱۴.

۲- ادب الدنيا والدین، ابوالحسن ماوردی، صص ۱۳۴، ۱۴۵ و ۱۵۶.

شهوات و مستی غفلت، روی به حظایر قدس و معموره انس، مقعد صدق و شراب طهور می خوانند و می رانند و از وحشت و التفات به ما سوی الله و علایق دنیویّه، آن‌ها را منقطع و به استیناس آشیانه و انس و خلوت خانه «يُحْيِيكُمْ اللَّهُ» می رسانند و دیده هر کس، بر جمال کمال این طایفه نمی افتد و در... تحت قبای «لَا يَعْرِفُونَهُمْ غَيْرِي» مستور و مجهول القدر می باشند.^۱

مردان رهش زنده به جان دگرند

مرغان هوا شیبی ز آشیان دگرند

منگر تو بدین دیده به ایشان کایشان

بیرون زدوکون در مکان دگرند
پس از اینکه مبلغ، از بهترین راه کارها و شیوه‌ها در تبلیغ سود جست و متناسب بار و حیات و نیازهای مردم، به ارشاد آنان پرداخت، باید مدارا و سازگاری با مردم را پیشه خود سازد.

عالم ربانی شیخ حسین بحرانی، سازگاری و مدارا با مردم را یکی از صفات بایسته و ضروری دانشمندان و

«مبلغان وارسته»، از قید نام

و شهرت و نان رسته‌اند و

دل در سودای عشق دوست

نهاده‌اند تا بلکه بر تعداد

عاشقان و دلدادگان دوست

ببفزایند و از این رو برترین

و با فضیلت‌ترین انسان‌ها

به شمار می‌روند.

صفات حق، بینیای حقایق و معانی و اسرار گشته‌اند... و کمین‌گاه مکر و حیلۀ نفس را دانسته‌اند و قدر عقل، اندازه، حوصله، ذوق، شوق، میل، اراده و مرتبه هر طایفه را می‌دانند و از عالم شریعت، طریقت و حقیقت خیر دارند و به مقتضای آن‌ها به قدرت تفاوت مرتبه مردمان، بیان می‌کنند تا هر کس حظّ و بهره و نصیب خود را به فرموده «قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ» بر می‌دارد و خلق را از خرابات دنیا، خمر

۱- میزان الملوك والطوائف، ص ۱۷۶.

**هر کس که می خواهد عالم
دین و پیشوا و مقتدای
مردم باشد، باید ابتدا
خودش را اصلاح و تهذیب
کند و به وسیله عمل، مردم
را به سوی دین دعوت
نمایند.**

مبلغان و واعظان مسلمان، همواره از پارسایان و صاحب‌دلان جامعه بودند و با رفتار و کردارهای نیک و آسمانی خود، خاطره‌های ماندگاری از علم و عمل، تقوا و ورع، زهد و عبادت، نیکی و احسان، عشق و محبت، لطف و دلسوزی و... از خود به جای گذاشته‌اند که یک نمونه کامل از این اشخاص، مرحوم حاج آخوند ملاعباس تربتی است.

وارستگی، آزادی از قید تعلقات، ساده زیستی، صداقت و بی‌ریایی،

مبلغان می‌داند و از رسول گرامی اسلام نقل می‌کند که فرمود:

«پروردگام مرا به مدارا فرمان داده؛ همان گونه که به انجام واجبات» و نیز از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«مدارا نمودن با مردم نیمی از ایمان است و مهربانی و نرمی نسبت به آنان نیمی از زندگانی است.»

سپس می‌افزاید:

«ای برادر! این که برخی از مدعیان

صلاح و تقوا در مقام ناسازگاری با مردم می‌گویند: مردم برای من اهمیتی ندارند و من نیازی به آنان ندارم و مردم کیستند؟!... همه این‌ها ناشی از پیروی نفس و جهل نسبت به روش اهل بیت علیهم السلام است.^۱»

مبلغان در هر حال نباید رابطه دوستانه و دلسوزانه خود را با مردم قطع کنند و به خاطر مسائل سیاسی و اقتصادی، از آنان جدا شوند. آنان در هر حال به واعظ و راهنما نیاز دارند و به واعظان و مبلغان وارسته عشق می‌ورزند و همواره آن‌ها را الگوی عملی-خویش قرار می‌دهند.

۴- دو مبلغ وارسته

۱- سلوک عرفانی، ص ۹۸ و ۹۹.

او بسیار از ترس خدا می‌گریست و محبت زاید الوصفی نسبت به خاندان رسالت داشت، به طوری که هرگاه نام پیغمبر اکرم یا هر یک از ائمه اطهار علیهم‌السلام بر زبانش جاری می‌شد، اشکش جاری می‌گشت.

در منبر - خواه به هنگام موعظه یا به هنگام ذکر مصائب اولیای دین - خودش بیش از همه مستمعان می‌گریست و چون بسیار محتاط بود، غالباً هنگام موعظه یا گفتن مسائل دینی یا ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام از روی کتاب‌هایی که آن‌ها را معتبر می‌دانست، می‌خواند و توجه بسیار به احوال زهاد و عباد داشت.^۱

چهره برجسته دیگر در عرصه وعظ و تبلیغ، عالم ربانی حاج میرزا علی آقا شیرازی (استاد شهید مطهری رحمته‌الله) است. در حالات این مبلغ و واعظ برجسته آمده است:

«ایشان علی رغم همه فضایل و مکاری که داشت، اهل منبر و وعظ بود. پرهیزگاری و اعمال شایسته سبب

۱ - فضیلت‌های فراموش شده، صص ۲۳، ۹۰ و

فداکاری و مردم‌یاری و خدمت‌گزاری، انزجار از مقام‌پرستی و زران‌دوزی و ریساکاری و شهرت‌طلبی،... و عشق خالصانه به خداوند، برجسته‌ترین صفات او محسوب می‌شد. در کتاب «فضیلت‌های فراموش شده» به بعضی از صفات برجسته ایشان اشاره شده است: «حاج آخوند را باید از شخصیت‌های نادر الوجودی دانست که جان و دل آنان از عشق به خدا به عنوان خالق و عشق به مردم به عنوان مخلوق لبریز بود. فقه او، علم او، مدرسه و مسجد او، با مردم‌داری و فداکاری و خدمت‌گزاری و از خود گذشتگی توأم بود. عبادت و عرفان و زهد او، تعارضی با کار و تلاش و تولید و خدمت نداشت؛ بلکه تجلیات یک روح و یک شخصیت واحد بود.

متانت، دقت، نظم و برنامه‌ریزی، از ویژگی‌های دیگر حاج آخوند ملاعباس بود. ساده‌زیستی و قناعت و سادگی در خوراک و پوشاک از مختصات بارز و کم‌نظیر او به شمار می‌رفت.

بود. از خود و خودی رسته و به حق پیوسته بود. با همه مقامات علمی و شخصیت اجتماعی، احساس وظیفه نسبت به ارشاد و هدایت جامعه و عشق سوزان به حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام، موجب شده بود که منبر برود و موعظه کند. موعظه و اندرزهایش چون از جان برون می آمد، لاجرم بر دل می نشست. هر وقت به قم می آمد، علمای طراز اول با اصرار از او می خواستند که منبر برود و موعظه نماید. منبرش پیش از آن که قال باشد، حال بود. ^۱»



می شود که خداوند مهربان، قلب را رؤوف نماید؛ چنین ویژگی برکت زا است. علوم سودمندی از آن تراوش می نماید و نصایح آموزنده چون آب زلال چشمه سار، به سوی کشتزارهای تشنه جاری می کند.

حاج میرزا علی آقا شیرازی، چنین شیوه ای را پیش گرفت و به دلیل تبعیت از تعالیم قرآن و دستورات ائمه علیهم السلام با آن تفکرات عمیق و اندیشه های والا، مهیای ارشاد جامعه از طریق وعظ و خطابه گردید. موعظه او با حکمت توأم بود.

حاج میرزا علی آقا شیرازی، واعظی بود که نفس او چون بهار به دل های مستمعان طراوت می بخشید و آنان را شکوفا می کرد... سخن این عارف عابد، چون از ذخیره معنوی برخوردار بود، به مخاطبان خویش حرارت ایمان، گرمی تقوا و نورانیت دل می بخشید. ^۱»

شهید عارف مرتضی مطهری رحمته الله

درباره این مبلغ فرزانه می نویسد:

«عالم ربّانی حاج میرزا علی آقا شیرازی، به راستی مرد حق و حقیقت

۱- ناصح صالح (زندگی، اندیشه و اخلاق آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی)، ص ۱۷۷ و ۱۸۲.
۲- سیری در نهج البلاغه، مقدمه.